

توسعه پایدار در کنار عدالت و اخلاق در اقتصاد اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱

معصومه آقاجانی*
زهرا خبری دوست**

چکیده

در طول تاریخ، از ابتدای آفرینش، بشر به طور فطری به تکامل و بهبود علاقه‌مند بوده است و در این راه دائم کوشش می‌کند. و به طور ذاتی در پی این است که از موقعیت فعلی به موقعیت مطلوب و مورد تصور خود دست یابد. از طرفی، عدالت نیز گاه به تنهایی و گاه در کنار کارایی در اقتصاد به عنوان دو موضوع مهم مورد بررسی بوده و هست. مسأله عدالت اقتصادی و اجتماعی زمانی مطرح است که خواسته‌های متعارض وجود دارد و قاعده عدالت امکان سازگاری میان خواسته‌های متفاوت را فراهم می‌سازد.

اسلام یک روش زندگی است. اسلام دین جامعی است که ابعاد جسمی و روحی وجود آدمی را در کنار هم در نظر گرفته و برای تمامی نیازهای او برنامه و دستورکار معینی ارائه داده و لذا در مورد عدالت و اخلاق و توسعه پایدار نیز به ارائه دستورات عملی و تبیین مفاهیم پرداخته است و هر سه مفهوم را در ارتباط با هم دانسته و در کنار هم مورد بررسی قرار می‌دهد.

توسعه و توسعه پایدار در اسلام (رسیدن به اهداف متعالی انسان) دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد. از نظر اسلام مفهوم کلی توسعه و توسعه پایدار فقط رفاه و آسایش در این جهان را جست‌وجو نمی‌کند، بلکه رفاه در هر دو جهان را مدنظر دارد و بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد. در این مباحث، عدالت و اخلاق محور اصلی است، به شرطی که مسلمانان آموزه‌های اسلامی را در زندگی روزانه خود به کار گیرند. در این مقاله ضمن توضیح مفهوم توسعه پایدار، عدالت و اخلاق از دیدگاه اسلام، ارتباط عدالت و اخلاق با توسعه پایدار در یک اقتصاد اسلامی، بررسی شده است. نتایج مقاله حاکی از آن است که عدالت اسلامی زمانی برقرار خواهد شد که فقر از میان رفته و عدالت توزیعی برقرار گردد. همچنین حفاظت از منابع طبیعی، عدالت بین نسلی را برقرار خواهد نمود. از طرف دیگر، حرکت جامعه در این مسیر نیازمند تشویق آن برای پیروی از اصول اخلاقی اسلامی است. رضایت حاصل از نیازهای معنوی نیازمند توسعه اخلاقی است و رضایت حاصل از نیازهای مادی نیازمند توسعه همه منابع انسانی و مادی به شیوه‌ای عادلانه است؛ ضمن آنکه مادیات به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی که دین مبین اسلام تعیین نموده است، جلوه‌گر می‌شوند.

بررسی شاخص توسعه انسانی در مورد کشور ایران گویای آن است که بهبود مشکلاتی چون بیکاری، تورم، فقر و تخریب محیط زیست، کشور را به توسعه اقتصادی در کنار عدالت و اخلاق اسلامی نزدیکتر خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اخلاق، عدالت، توسعه پایدار
طبقه‌بندی JEL: D63, Q01, Z12

* دانشجوی دکترای علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد اسلامی) دانشگاه علامه طباطبایی، مدرس دانشگاه پیام نور
(نویسنده مسئول)
aghajani_1983@yahoo.com

** دانشجوی دکترای علوم اقتصادی (گرایش اسلامی) دانشگاه علامه طباطبایی
z_kh63@yahoo.com

مقدمه

توسعه اقتصادی اصطلاحی است که از دهه ۱۹۴۰ میلادی در اقتصاد رواج یافته است و می توان آن را فرایند تغییر از وضع موجود به سمت وضع مطلوب دانست. هیچ توافقی درمورد اینکه شرایط مطلوب چیست وجود ندارد. بنابراین بسیاری معتقدند که توسعه مفهومی ارزشی است (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۱). بنابراین هر جامعه می تواند بر اساس اصول و ارزشهای خویش شرایط مطلوب و مسیر حرکت را مشخص سازد. توسعه پایدار نیز چنین است و می تواند بر اساس معیارهای جامعه مورد تعریف قرار گیرد. اهمیت این موضوع آنجا پررنگ تر می شود که تا کنون شاخصی جامع که بتواند تمامی جنبه های توسعه پایدار- از جمله پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی- را پوشش دهد توسط سازمان ملل تعریف نشده است.

از طرف دیگر، برخی از معیارها و شاخصهای تعریف شده برای توسعه را می توان یافت که جامعیت همخوانی با فرهنگ و دین کلیه جوامع را ندارد. برای مثال هدف توسعه برای دستیابی به رفاه مطلق مادی از نظر اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف آفرینش و خلقت انسان نیست؛ بلکه رفاه مادی به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی انسانی جلوه گر می شود. بی شک اسلام که خواستار رفاه مادی و معنوی و دنیوی و اخروی در کنار هم می باشد، عدالت و اخلاق را در کنار توسعه پایدار در نظر گرفته و هر سه مفهوم را در ارتباط با هم می داند. تلفیق انسان دوستی و معنویت و توجه به زندگی اخروی با توسعه اقتصادی به مراتب کمتر دیده شده است. اما تجربیات انسانی و قضاوت های او هنوز به پایان نرسیده و امید است که بتواند این دو امر را به صورتی زیبا در هم ادغام کند. در این زمینه، دین مبین اسلام که هم راهنمای دنیوی انسان است و هم راهنمای اخروی، منطقی ترین و علمی ترین تلفیق را ارائه داده است. (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

این مقاله بر آن است تا ضمن توضیح مفهوم توسعه پایدار، عدالت و اخلاق از دیدگاه اسلام، ارتباط عدالت و اخلاق را با توسعه پایدار در یک اقتصاد اسلامی، بررسی نموده و اهمیت کارکرد این سه مفهوم در کنار یکدیگر در پیشرفت اهداف در یک جامعه اسلامی را بیان کند.

۱. تعریف مفاهیم کلیدی

- **توسعه اقتصادی:** تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی مرادف با رشد اقتصادی در نظر گرفته می شد اما با گذشت زمان روشن شد که رشد اقتصادی نمی تواند به تنهایی گویای توسعه اقتصادی باشد. یک اقتصاد ممکن است رشد کند بدون آنکه - به دلیل فقرعمومی،

بیکاری فراوان و نابرابری‌های اجتماعی - توسعه یابد؛ و یک اقتصاد ممکن است به دلیل فقدان تکنولوژی مدرن تولید و تغییرات زیربنایی و فقر کماکان روند نزولی خود را طی کند. این در حالی است که توسعه اقتصادی همواره با رشد اقتصادی همراه است (قره باغیان، ۱۳۸۱: ۷ و ۸). بنابراین به تدریج ابعاد بیشتری به توسعه اقتصادی افزوده شد. تلقی جدید، مفهوم توسعه را فرایندی همه‌جانبه در نظر می‌گیرد که نه تنها عوامل اقتصادی بلکه کلیه عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی را شامل می‌شود و دربردارنده عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز هست. بنابراین با گسترش تعریف توسعه، شاخص‌های اندازه‌گیری این مفهوم نیز افزوده شد که رشد اقتصادی یا افزایش درآمد ناخالص داخلی یکی از آنهاست.

- **اندازه‌گیری توسعه:** سنجش سطوح نسبی توسعه کاری مشکل است. بسیاری از معیارها یا اهدافی که توسعه را ارزیابی و یا درمورد آن قضاوت می‌کنند کیفی هستند. از طرف دیگر، بنابر نظر هیات توسعه سازمان ملل آنچه که اندازه‌گیری نشود نمی‌تواند مدیریت شود. ضمن آنکه تحلیلگران خواستار به‌کارگیری شاخص توسعه واحد به جای مجموعه‌ای از شاخص‌های جداگانه هستند. اما برسر این کار مشکلاتی وجود دارد. اول: هیچ شاخص کمی توان اندازه‌گیری دقیق یک معیار کیفی را ندارد؛ دوم: هیچیک از شاخص‌ها نمی‌توانند سطوح کیفی به دست آمده بر اساس تمام ابعاد توسعه را به طور قابل قبولی برآورد کنند، بویژه اگر به خاطر آوریم که این ابعاد، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است؛ سوم: در اتخاذ روشی که به موجب آن بتوان شاخص‌های گوناگون را برای کیفیت‌های مختلف با یکدیگر جمع کرد و به شاخص واحدی برای سطح توسعه یک کشور دست یافت، مشکلات محسوسی وجود دارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۸).

- **توسعه اقتصادی پایدار:** کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۱ در سال ۱۹۸۷ ایده موجود در تئوری پس انداز فرانک رمزی^۲ (۱۹۲۸) را گسترش داد و توسعه پایدار را چنین تعریف کرد: برآورده ساختن نیازمندی‌های حاضر بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود (کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۸۷: ۴۳، دیکشنری پالگرو). توسعه پایدار، ترکیبی از دو واژه است که دو جنبه متفاوت (پیشرفت اقتصادی - صنعتی و کیفیت محیط زیست) را در یک نماد (توسعه پایدار) متحد می‌سازد.

1. World Commission on Environment and Development (WCED)

2. Frank Ramseys seminal work on the pure theory of saving

3. World Commission on Environment and Development (WCED)

به عبارت دیگر، دو مفهوم اقتصاد و اکولوژی در کنار هم قرار گرفته و زیربنای استراتژی توسعه پایدار را شکل می دهند (کهن، ۱۳۷۶).

در تعریف کمیسیون برونندلند^۱ (۱۹۸۷) توسعه پایدار نیازهای حال حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهای خود تأمین می کند. به طور خلاصه، تمام تعاریف توسعه پایدار اشاره دارند به مفهوم توسعه، که بهبود در حال حاضر و همچنین در نسل های آینده را به ارمغان می آورد (پاتماواتی^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۳). این مفهوم تلاش می کند تا به نحو روشن تری نتایج آینده رفتارهای کنونی را مورد توجه قرار دهد. توسعه پایدار زمینه های مختلفی را مورد توجه قرار می دهد: تأثیر گازهای گلخانه ای، تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه ازن، تخریب زمین، کاهش منابع غیر تجدید پذیر، آلودگی هوای شهرها (رائو، ۲۰۰۰).

– **اندازه گیری توسعه پایدار:** برای اندازه گیری توسعه پایدار علاوه بر مشکلاتی که در اندازه گیری توسعه وجود دارد، مشکلات دیگری نیز به نظر می رسد. به همین سبب تا کنون شاخصی که توسعه پایدار را با تمامی جنبه های آن – از جمله پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی – اندازه گیری کند، مورد تعریف قرار نگرفته است. تنها سه استاندارد در زمینه توسعه پایدار مطرح شده که شاخص مورد نظر بایستی آنها را در خود جای دهد: رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه پایدار محیط زیست (سایت undp).

البته پیشنهاداتی در این زمینه ارائه شده است. برای مثال در اولین کنفرانس اسلامی وزرای محیط زیست، چالش های عمده جهان اسلام در زمینه توسعه پایدار مورد شناسایی قرار گرفته است که عمدتاً فقر، بی سواد، انباشت بدهی های خارجی، تنزل شرایط اقتصادی و اجتماعی، عدم تعادل بین رشد جمعیت و منابع طبیعی در دسترس، ضعف توانایی های فنی، فقدان تخصص و مهارت در محیط زیست، مدیریت، درگیری های منطقه ای و اشغال خارجی را شامل می شود. این کنفرانس چهارچوبی کلی را ارائه کرد است که به عنوان اعلامیه اسلامی در توسعه پایدار شناخته می شود و حول محورهایی مانند رشد اقتصادی، ریشه کن کردن فقر، جمعیت و توسعه شهری، بهداشت، محیط زیست و منابع طبیعی قرار دارد (پاتماواتی و همکاران، ۲۰۱۱: ۶)

1. Brundtland
2. Patmawati

- **عدالت:** عدالت از ریشه عدل و به معنی راستی، سادگی، داد و انصاف و داوری و درستی است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۵۸۱) و در اصطلاح به معنای اعتدال و توازن در امور، استقامت در طریق و منحرف نشدن از راه راست به سوی هوای نفس، تساوی برقرار کردن میان دو چیز آمده است (طریحی، ۱۳۶۲: ۲۰).

آیت‌الله صدر عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند: «العدالة عبارة من الاستقامة على شرع الاسلام و طریقه»؛ یا «العدالة هي الواسطة و الاعتدال في السلوك». علامه طباطبایی (ره) در این رابطه بیان می‌دارد: «هی اعطاء كل ذي حق من القوى حقه و وضعه في موضعه الذي ينبغي له» (صیادنژاد، ۱۳۸۵: ۱۲)؛ که بر گرفته از تعاریف عدالت در نهج‌البلاغه است که در جایی از آن به «قرار گرفتن هر چیز در سر جای خود» و در جای دیگر «رعایت کردن استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود دارد» تعبیر شده است. بنابراین برای عدل دو تعریف کلی و اصلی در اسلام وجود دارد. این دو تعریف عبارتند از: «وضع الشيء في موضعه» که همان عدالت تکوینی است و نقطه مقابل آن بی تناسبی است و «اعطاء كل ذي حق حقه» که همان عدالت تشریعی بوده و نکته مقابل آن ظلم است.

- **اخلاق:** اخلاق از نظر لغت به معنای عادت، خصلت و خوی است و در اصطلاح به این امر می‌پردازد که چگونه باید زندگی کرد، چه کاری درست و چه کاری نادرست است. به عبارت دیگر، با عمل ارتباط دارد. بنابراین اصطلاح اخلاق هم به تحلیل مرتبط است و هم با رفتار سرو کار دارد. پس هم جنبه هنجاری و دستوری دارد و هم جنبه اثباتی (دادگر، ۱۳۸۵: ۲۱).

اخلاق پیش زمینه کلیه داوری‌های ذهنی و عامل اصلی در انتخاب راهبرد زندگی، تعامل اجتماعی و تا حدی تجارت است. با این اوصاف، تغییر و تحول ارزش‌ها منوط به یک نسل و پذیرفتن آنها نیست بلکه استمرار ارزش‌های اخلاقی و تربیت نسل‌ها در بررسی خاستگاه سنتی اخلاق در اقتصاد از اهمیت بسزایی برخوردار است. اخلاق اقتصاد، شاخه‌ای از اخلاق است که موضوع آن مسائلی است که از راه اقتصاد پدید می‌آید. از این رو، اخلاق به معنای «مورال» در یک جریان مرتبط و وابسته جبری از راه رفتارهای با فضیلت تمام اعضای جامعه تحول می‌یابد و اخلاق به معنای «آتیک» رفتاری عقلانی و با نیت است که فضیلت شمرده می‌شود و به صورت یک منش قلمداد می‌شود. بنابراین اخلاق اقتصاد همان اقتصاد هنجاری متکی بر معیارهای اخلاقی است (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۹۲: ۱).

۲. پیشینه تحقیق

معصومی نیا (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد اخلاقی، مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار» ضمن بیان سیر اجمالی رابطه اخلاق و اقتصاد در غرب، عمده ترین مبانی بینشی اخلاق اقتصادی اسلام را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که آموزه‌های اسلامی افزون بر ارتقای معنوی انسان با کمترین هزینه و به مطلوبترین وجه بین انگیزه‌های شخصی و منافع عمومی هماهنگی پدید می‌آورند.

خاندوزی (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با هدف بهره برداری از تجربه تاریخی ظهور و نهادینه شدن اخلاق سرمایه داری و دیگر تجربه‌ها در موضوع اخلاق ادیان و اخلاق اقتصادی، مراحل تحقق الگوی توسعه اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. سعید و محمدعلی فراهانی فرد (۱۳۸۳) در ترجمه اثری از منذر کهف با عنوان «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی» به بررسی اقتصاد کشورهای اسلامی و با توجه به جنبه زیست محیطی، بر پایداری اقتصادی توسعه تمرکز داشته‌اند.

فراهانی فرد (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور» ابتدا به تعریف توسعه پایدار و ویژگی‌های آن می‌پردازد؛ سپس با توجه به اصولی ادعا می‌کند که ظرف تحقق کامل این اصول و نهادها، جامعه مهدوی و زمان ظهور حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.

پاتماواتی و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه اقتصادی پایدار: مفهوم، اصول و مدیریت از دیدگاه اسلامی» تلاش می‌کنند مفهوم، اصول و مدیریت توسعه پایدار اقتصادی را از دیدگاه اسلام توضیح دهند.

۳. عدالت و اقتصاد اسلامی

موضوع عدالت از کهن‌ترین اندیشه‌هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول داشته و حسن عدالت به جهت فطری بودن آن، همیشه مورد توجه مردم و مکاتب بوده است. طول عمر عدالت به میزان طول عمر آفرینش انسان است؛ به همین سبب، یکی از آرزوهای بشر در طول تاریخ، تحقق عدالت بوده است (یوسفی، ۱۳۸۴: ۹۵ و ۹۶). مهم‌ترین دغدغه پیام‌آور الهی نیز بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او ایجاد و برقراری عدالت بوده است. دین اسلام هم به عنوان خاتم ادیان تحقق عدالت را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. مطابق اعتقاد شیعه، عدل در ردیف ریشه‌های دین قرار گرفته و این اصل از اصول پنج‌گانه دین به شمار می‌آید

(مطهری، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۲۴). روح کلی عدالت اسلامی و جایگاه آن را با بهره گیری از آیات قرآن، سنت پیامبر(ص) و عملکرد حضرت امیر(ع) می توان پیگیری کرد.

۱-۳. جایگاه و اهمیت عدالت در اسلام و اقتصاد اسلامی

نظام اقتصاد اسلامی عبارت از مجموعه قواعد ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت است. تعداد ۲۹ آیه از آیات قرآن مستقیماً درباره عدالت و حدود ۲۹۰ آیه دیگر هم در مورد ظلم که ضد عدالت می باشد، نازل شده است که نشان دهنده اهمیت این موضوع است. برای مثال در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) و آشکار است که «ماده آمر» نیز دلالت بر «وجوب» دارد، پس معنی آیه این است که خداوند اجرای عدالت و نشر احسان را در میان مردم واجب کرده است.

از اموری که در منابع اسلامی و سخنان معصومان (ع) فراوان یافت می شود، اهمیت عمل به عدالت است. افزون بر گفتار فراوان امام علی (ع) در باب عدالت، سیره حضرت نیز در حکومت و بویژه در آغاز پذیرش حکومت، گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای آن در اقتصاد اسلامی است که در اینجا به ذکر چند نمونه از سخنان ایشان در این باب بسنده می کنیم:

«العدل حياه» (خوانساری، ۱۳۴۲: ۶۴) عدل سبب حیات است.

«العدل قوام الرعيه و جمال الولاه» (همان، ص ۱۸۳) عدالت مایه استحکام زندگی مردم و زینت حاکمان است.

«بالعدل تصلح الرعيه» (همان، ج ۳، ص ۲۰۶) به سبب عدالت، زندگی مردم سامان می یابد.

«فی العدل الاقتداء بسنه الله و ثبات الدول» (همان، ج ۴، ص ۴۰۳) در عدالت، پیروی از سنت و روش الهی و استحکام و پایداری دولت ها است.

گفتار در باب اهمیت عدالت از دیگر معصومان (ع) فراوان است که به چند نمونه آن بسنده می شود؛ امام صادق(ع) می فرماید: «العدل احلى من الماء يصيبه الظمان». عدالت از آبی که انسان تشنه به آن دست می یابد، شیرین تر است. همچنین فاطمه زهرا (ع) می فرماید: «فرض الله العدل تسكيناً للقلوب» خداوند برای آرامش دل ها عدالت را واجب کرد (ری شهری، ۱۳۷۷: ۱۸۳۸).

۲-۳. مفهوم عدالت در دیدگاه اسلامی

عدالت در مکاتب و دیدگاه‌های مختلف تعاریف و مصادیق متفاوتی دارد؛ اما آنچه در همه دیدگاه‌ها مشترک است در نظر گرفتن توازن برای معنای لغوی عدالت است و در مفهوم اجتماعی، هرگاه حق هر صاحب حقی به او داده شود، می‌گویند عدالت رعایت شده است. در آموزه‌های اسلامی، تعریفی جامع و کامل از این مفهوم ارائه شده است که عدالت اقتصادی را به طور خلاصه احقاق حقوق اقتصادی و مشروع هر فرد در جامعه می‌داند.

شهید مطهری (۱۳۷۷: ۷۲) در مقام تبیین مفهومی عدالت سعی می‌کند با توجه به تنوع کاربردهای عدل در فضاهای مختلف آن را تفسیر نماید و لذا چهار معنا برای عدل بیان می‌کند که دو معنای اول مختص پروردگار و دو معنای دیگر قابل اجرا برای بشر است:

موزون بودن و تعادل در عالم هستی که موجب بقای آن است. چنانکه حدیث نبوی هم به این مطلب اشاره می‌نماید: «بالعدل قامت السموات والارض». عدل به معنای تناسب و توازن در نظام عالم از شئون خداوند حکیم است و نقطه مقابل آن در این معنا بی‌تناسبی است نه ظلم. رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه به آنچه که امکان وجود را دارد. این معنای عدل صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد.

تساوی و نفی هرگونه تبعیض: مقصود از عدالت، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی می‌باشد که افراد از آن برخوردارند که این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت‌ها بین افراد است (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۱۷). باید توجه داشت که گاهی عدالت با تساوی تفاوت دارد، هرچند که گاهی استعمال آنها در جای یکدیگر درست می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۱۲). عدالت یعنی اینکه به اندازه‌ای که حق دارد به او داده شود. پس اگر کسی بر حسب توانایی‌ها و استعداد خویش به فعالیت بیشتری دست بزند اما او را با شخص دیگری که توانایی کمتری دارد مساوی قرار دهیم، نه تنها عادلانه رفتار نکرده‌ایم بلکه دچار ظلم هم شده‌ایم (مطهری، ۱۳۷۵: ۴۷).

رعایت حقوق افراد و اعطاء کردن حق به ذی‌حق: در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگری) قرار می‌گیرد. آنچه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شده و همگان آن را محترم بشمارند، همین معناست. ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری و نسبت به خداوند محال می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۲). امام علی (ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه‌ای عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان

است تا حق او را بازستانم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۷) «مرد را سرزنش نکنند که چرا حقش را با تأخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حقش نیست بگیرد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۶).

استاد مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو امر می‌داند، یکی حقوق و اولویت‌ها که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کند و دیگر اینکه خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که در دستیابی به مقاصد و سعادت خود با استفاده از اندیشه‌های اعتباری به‌عنوان آلت فعل بهره می‌برد؛ لذا برای رسیدن افراد جامعه به سعادت باید یکی از این دو رعایت شود.

۳-۳. عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلامی

مجموعه اصول و تعالیم بنیادین دین اسلام درباره «اجتماع» و «اقتصاد» واجب شرعی بزرگی را بر دوش امت مسلمان و حکومت اسلامی و علمای اسلام می‌گذارد که قیام برای زنده کردن «عدل اقتصادی و معیشتی» و نبرد با «ظلم اقتصادی و معیشتی» و از بن برکنند پایگاه‌های اجتماعی طاغوت‌های اقتصادی و دور کردن ایشان از همه کرسی‌های حاکمیت و قانونگذاری و اقتصادی و اجرایی است (حکیمی، ۱۳۷۱: ۵۱۵).

منظور از عدالت در این مبحث عدالت اقتصادی است، که از یک طرف شامل نحوه توزیع اولیه امکانات مصرفی یا تولیدی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌شود و از سوی دیگر، نحوه تقسیم درآمد حاصل از فعالیت‌های تولیدی را میان صاحبان عوامل تولید تعیین می‌نماید. در واقع، قضاوت جامعه را در چگونگی توزیع رفاه میان افراد آن و برداشتی که آن جامعه از عدالت دارد، تعیین می‌کند.

۳-۳-۱. مساوات

یکی از مصادیق عدالت، رعایت مساوات در تقسیم امکانات اولیه مصرفی و تولیدی میان افراد و دادن فرصت‌های مساوی به افراد جامعه در بهره‌برداری است. همان‌طور که می‌دانیم با توجه به مفهوم جعبه اجورث، توزیع اولیه کالاها یا نهاده‌ها بین دو نفر یا دو گروه وقتی عادلانه است که نقطه توزیع اولیه درست وسط جعبه یاد شده قرار داشته باشد. توزیع مجدد آن کالاها یا نهاده‌ها در مبادلات و داد و ستدها در صورتی عادلانه است که سهم طرفین مساوی باشد (زیوری و صدر، ۱۳۷۴: ۳۱۶ و ۳۱۷: ۱۳۸۵). در این صورت، چنانچه در فعالیتی، یکی با کار و

تلاش یا حسن بهره‌برداری به رفاه یا محصول بیشتری دست یابد، و دیگری به خاطر سهل انگاری به نتیجه کمتری رسد، خلاف عدالت نیست.

۲-۳-۳. مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی

عدالت اقتصادی، یعنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. بر اساس آموزه‌های اسلامی اگر عدالت در جامعه مراعات شود، فقر از بین می‌رود و همه مردم از سطح زندگی در حد کفاف بهره‌مند خواهند شد. سیره امیرمؤمنان (ع) نیز تعجیل و تساوی در تقسیم بیت‌المال و تأکید آن حضرت (ع) برای ریشه کن کردن فقر و ایجاد رفاه نسبی بوده است. و از آموزه‌های حقوقی مالی الزامی و استحقابی افراد جامعه اسلامی می‌توان استنباط کرد که مقصود از توازن اقتصادی وضعیتی است که ثروت و دارایی جامعه به گونه‌ای بین همه مردم توزیع گردد که تفاوت درآمدها باعث شکاف طبقاتی و موجب فساد نشود (یوسفی، ۱۳۸۴).

منابع توزیع مجدد در جهت برقراری عدالت در نگاه اسلام عبارتند از: مالیات‌های ثابت، درآمدهای حاصل از ثروت‌های طبیعی، انفاقات و صدقات و مالیات‌های حکومتی. مالیات‌های ثابت شامل اقسامی است که بر مسلمانان واجب است با شرایطی آن را پرداخت کنند. اقسام مالیات‌های ثابت عبارت است از: خمس، زکات مال، زکات بدن (فطره). اسلام علاوه بر الزامات و تکالیف فردی و نیز افزون بر واجبات مالی حکومتی به خاطر مصالح جامعه، از طریق آموزه‌های تشویقی، مردم را به خیرات و نیکی‌های مالی مستحبی (انفاق، وقف، قرض الحسنه، عاریه، صدقه و ... در راه خدا) دعوت می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۴).

باید توجه داشت اگر اغنیای جامعه تمام دین‌های مالی شرعی خود را ادا کنند ولی نیاز به ایجاد برخی کالاهای عمومی همانند پل، آموزشگاه، راه و پارک وجود داشته باشد، در این صورت دولت اسلامی با لحاظ حد این مصالح عمومی می‌تواند بر اموال اغنیا مالیات وضع کند و اغنیا نیز باید آن را به عنوان یک واجب مالی پرداخت کنند و بنابراین در نظام اقتصادی اسلام با اعمال سیاست‌های تکلیفی حداقل و با پیگیری سیاست‌های تشویقی، توازن اقتصادی محقق خواهد شد (یوسفی، ۱۳۸۴).

۳-۳-۳. عدالت در تولید و مصرف

اگر عدالت اقتصادی را به عنوان فرایندی تعریف کنیم که در آن تمام نهادها، سازمان ها و افراد فعالیت می کنند، هر کس وظیفه خود را انجام دهد و همه افراد نیز به حقوق خود برسند؛ در این صورت عدالت را بایستی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تعریف نمائیم؛ به عبارتی عدالت اقتصادی در این سه محدوده قرار دارد. تعریف عدالت، استقامت در طریق حق می باشد که در هر سه حوزه این تعریف حاکم است.

عدالت در تولید به استقامت در جهت تحقق تمام ظرفیت های زمین و منابع انسانی، منابع فیزیکی و مدیریت صحیح این منابع گفته می شود. عدالت در توزیع هم به معنای فرصت های برابر، برابری در فرایند بازار کالاها و خدمات و همچنین برابری در نتیجه یا برابری در حداقل های معیشتی می باشد. عدالت در مصرف هم به معنای این است که بشر اسراف، تبذیر و زندگی اشرافی نداشته باشد و در حد کفاف مصرف کند. در بحث مصرف بایستی الگوی سبک زندگی اسلامی برای رسیدن به عدالت مصرفی ارائه شود.

۳-۳-۴. عدالت توزیعی

اگر عدالت به معنای وسیع آن را مترادف با «مراعات حقوق» بدانیم و از سخنان حضرت امیرالمؤمنین (ع) برای ضعیفان و محرومان و فقیران جامعه، حق اقتصادی برای تأمین حداقل نیازهای اقتصادی شان و برای عموم مردم تأمین رفاه نسبی را استفاده کنیم، می توانیم توزیع عادلانه درآمد، تأمین رفاه نسبی و رفع فقر در جامعه اسلامی را از مصادیق عدالت اقتصادی معرفی نماییم. اگر بپذیریم که مراعات حقوق موجب عدالت است، مراعات حقوق اقتصادی که مستلزم توزیع درآمد و رفع فقر و کم شدن فاصله اقتصادی بین اقشار و تحت پوشش قرار دادن اقشار آسیب پذیر توسط دولت اسلامی است، متضمن برقراری عدالت اقتصادی نیز خواهد بود (زیوری، ۱۳۸۵: ۶۵).

در این زمینه شهید صدر عدالت اقتصادی را شامل سه بخش زیر می داند: الف) تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، ب) تعیین مرزها و حدود مصرف و جلوگیری از رفاه زیاده، ج) جلوگیری از انحصار و احتکار اموال و تجمع ثروت در دست بخشی از جامعه و فراهم کردن امکان کار و تولید برای همه افراد جامعه (صدر، ۱۳۶۰: ۲۷۳).

در کلام معصومین (ع) گفته شده است: «العدل ما تراح به حاجات الجماهير باسرها» عدل چیزی است که به سبب آن حاجات همه افراد مرتفع می شود. امام کاظم (ع) می فرماید: «لو عدل فی

الناس لا تستغنوا» یعنی اگر با مردم به عدالت رفتار شود، همه آنها بی‌نیاز خواهند شد (حکیمی، ۱۳۷۱: ۵۱۵). امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «أغنياؤهم يسرقون زاد الفقراء - ثروتمندان - شان توشه فقیران را می‌دزدند» (و با ایجاد تورّم و گرانی از دسترس آنان دور می‌دارند). به این ترتیب، ملاک ملموس و محسوسی برای عدل معرفی شده است؛ اگر در جامعه ای محتاج و فقیر پیدا شود، ظلم شده است و هنوز عدالت برقرار نیست. به عبارت دیگر، اینکه همه افراد جامعه در حد کفاف برخوردار باشند، یک واجب اولیه برای نظام اقتصادی اسلام است (زیوری، ۱۳۸۵: ۶۵).

مرحله دیگر بحث عدالت در نظام اسلامی، این است که علاوه بر اینکه همه افراد جامعه از نعمت‌های الهی، در حد کفاف برخوردار باشند، تفاوت برخورداری بین مردم نباید به صورت فاحشی درآید. از این رو اسلام انواع سیاست‌های اقتصادی را برای جلوگیری از تکاثر ثروت و ایجاد تعدیل اقتصادی به کار برده است (همان).

۳-۴. راه های تحقق عدالت در عرصه اجتماع

استاد مطهری برای تحقق عدالت در جامعه و رفع بحرآن‌ها دستورالعمل‌هایی را پیشنهاد نموده که شامل موارد زیر است:

۱- رعایت حقوق توده ملت و احترام به حق حاکمیت: عدل تنها در جوامعی برقرار می‌شود که مردم و حکومت حقوق یکدیگر را رعایت کنند. هرگاه توده ملت به حقوق حکومت وفادار باشند و حکومت نیز حقوق مردم را ادا کند، نشانه‌ها و علایم عدل بدون هیچگونه انحرافی ظاهر می‌شوند (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۰۷).

۲- مسابقه بقاء: توجه به قابلیت‌ها و دوری از تبعیض در صورت وجود قابلیت‌های برابر است. استاد در این‌راه به مفهوم مسابقه بقاء در مقابل تنازع بقاء در شرایط مساوی برای همگان اشاره می‌کند. در میدان مسابقه یکی عقب می‌افتد و دیگری جلو و لذا هر کس می‌تواند با سعی به حق خود برسد (مطهری، ۱-۱۳۷۳: ۱۰۹).

۳- ایمان و عمل به قانون: عمل به قانون مستلزم گذشتن از منافع می‌باشد. برای اجرای عدالت دو چیز لازم است: یکی بیداری شعور عامه در شناخت و حفظ حقوق خود و دیگری ایمان قوی برای اینکه از حد الهی تجاوز نکنند و حقوق دیگران را رعایت نمایند (مطهری، ۲-۱۳۷۳: ۵۶).

۴- **معنویت اسلامی:** اساسی‌ترین راهی که ایشان به‌عنوان پشتوانهٔ اجرای عدالت در جامعه ارائه می‌کند، معنویت اسلامی است. اسلام می‌خواهد روح‌ها با هم یکی شوند تا مردم به حکم بلوغ روحی، عاطفه انسانی و اخوت اسلامی ناشی از معنویت اسلام برای رفع تبعیض‌ها گام بردارند (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵۹)

۵- **رفع اجبار و اعطاء مال به رضایت:** اگر دولت انسان را آزاد گذاشته تا مطابق میلش حاصل دسترنج خود را به دیگری که محتاج است واگذارد، این عین انسانیت و عدالت در جامعه می‌باشد (همان).

۶- **نظارت دولت در امور اقتصادی در کنار آزادی سیاسی جامعه:** دولت باید با حفظ آزادی سیاسی در جامعه، مانع ازدیاد فاصله طبقاتی گردد.

۴. اخلاق، اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد، فیلسوف اخلاق بود. وی ابتدا کتاب "نظریه احساسات اخلاقی" را منتشر کرد و سپس کتاب "ثروت ملل" را نگاشت. او در کتابش به بررسی طیف گسترده‌ای از فضایل می‌پردازد و در آخر بالاترین فضیلت اخلاقی را خیرخواهی معرفی می‌کند. او علم اقتصاد را بر اساس ارزشهای اخلاقی پایه‌گذاری نمود؛ لیکن نظریه نفع شخصی او مبنای قسمت عمده‌ای از نظریه پردازی‌های صاحب نظران بعدی قرار گرفت.

با گسترش دامنه علم اقتصاد به ریاضیات و حوزه الگوسازی، این علم از اخلاق تهی شد. دیدگاه دکارتی، علم ایده‌آل را هدایت توسعه علوم مدرن با تجمع واقعیت‌های عینی و فاقد ارزش می‌داند، به صورتی که توسط افراد مستقل قابل فهم باشد. معرفت‌شناسی دکارتی یعنی تمایز میان عین و ذهن، خود را در اقتصاد در جدایی اقتصاد اثباتی از اقتصاد دستوری متبلور ساخت. اقتصاددانان، فلسفه علم را در دستور کار روش‌شناسی خود قرار داده و فلسفه علمی اثبات‌گرایی را گسترش دادند. مسائل اخلاقی و ارزشی از علوم اقتصادی رخت بربست و علم ریاضی به سرعت جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد به دست آورد. اقتصاد دانان اثبات‌گرا اقتصاد را علمی اثباتی^۱ و دارای گزاره‌های فاقد ارزش^۲ تعریف می‌کنند. آنها معتقدند اقتصاد علمی است که در

1. Positive

2. Value-Free

مورد حقایق اثبات‌پذیر قطعی سخن می‌گوید و از قضاوت‌های ارزشی (اخلاقی) در مورد سیاست‌های اقتصادی مجزاست (Robbins, 1932: 148).^۱

اقتصاد نئوکلاسیکی در روش‌شناسی خود اکیداً به قواعد منطق ریاضیات و پیچیدگی در استفاده از تکنیک اقتصاد سنجی پایبند است. این عامل باعث شده است که اقتصاد از رشته‌های نرم‌تر مانند جامعه‌شناسی و علوم سیاسی فاصله بگیرد (Bordo, 1987 & Easlea, 1987). این در حالیست که انسان اقتصادی، انسانی است که با "دیگران" درگیر است و پیوسته در وابستگی و تعامل متقابل با آنها قرار دارد. رفتار اقتصادی با رفتار اخلاقی گره خورده و بدین ترتیب، علم اقتصاد و اخلاق نیز به یکدیگر نزدیک می‌شوند (طالبی و کیانی، ۱۳۹۱: ۶). "گالبرایت" اقتصاددان مکتب نهادی می‌گوید: "ارزشهای اخلاقی از درون یک علم ریاضی رخت بر می‌بندد". این قبیل اقتصاددانان انفصال اقتصاد از مبادی اخلاقی خود را "علمی‌سازی علم اقتصاد" می‌دانند و می‌گویند ارزش‌گذاری‌های اخلاقی هرچه هم مهم باشند نباید در تحلیل‌های اقتصادی نقش داشته باشند.

نئوکلاسیک‌ها نیز، علم اقتصاد را بر اساس این اصل که "انسان در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است" پایه‌گذاری کرده‌اند. این تفکر امروزه روح حاکم بر نظام سرمایه‌داری است (طالبی و کیانی، ۱۳۹۱: ۱۲). به همین دلیل غنی‌نژاد (۱۳۷۲: ۶۴) می‌گوید: «گویا در اندیشه اقتصاد مدرن، به علت اینکه نفع فردی انگیزه اولیه و اصلی فعالیت انسانی تلقی می‌شود، هیچ اصل اخلاقی ملحوظ نشده و دنیای اقتصادی، دنیای بی‌رحم مادیات محض است». البته نئوکلاسیک‌ها روش ریاضی را با این استدلال به کار می‌گیرند که اطمینان نسبت به بیطرفی از نتایج اقتصادی را امکان‌پذیر سازد، اما گروهی از اقتصاددانان معتقدند درک پوزیتیویستی از علم نتایج ارزشی‌خنثی را تضمین نمی‌کند (Barker and Kuiper, 2003; Zein-Elabdin and Charusheela, 2004).

آنها می‌گویند هیچ مشاهده‌گری قادر نیست واقعیت‌های بیرونی را کاملاً بیطرفانه ادراک کند. برای مثال در یکی از کتب درسی اقتصاد رایج آمده است: «به طور کلی فصل پیش رو در رابطه با اقتصاد اثباتی خواهد بود. با این حال اغلب جنبه‌های اثباتی موضوعاتی مورد تحلیل

1. Economics as science is about "ascertainable facts" of the positive as distinct from normative (ethical) judgments on economic policy (p. 148).

قرار خواهد گرفت که در آن عقاید اقتصاد هنجاری قوی وجود دارد؛ مانند اتحادیه گرای^۱ و فقر» (Truett & Truett, 1982:12).

گروهی از اقتصاددانان که به جریان‌های پست مدرن رادیکال تعلق دارند بر همین اساس ادعا می‌کنند که اصولاً واقعیتی وجود ندارد و همه چیز صرفاً مشاهدات ماست. برخی هم معتقدند یک واقعیت موجود است، اما هر مشاهده‌گری صرفاً می‌تواند از آن ادراکی شخصی و براساس پیش‌فرض‌های خود داشته باشد. به همین دلیل اقتصاددانان فمینیست معتقدند، دانش و ویژگی تاریخی و اجتماعی دارد و مهم‌تر از موضوع دانش، جایگاه تاریخی و اجتماعی تولیدکننده آن است. دانشی که ما تولید می‌کنیم ساخت‌یافته براساس منافع، ارزش‌ها و موقعیت تاریخی و اجتماعی ما خواهد بود. این اندیشه که همه علوم جانبدارانه و وابسته به موقعیت تاریخی و اجتماعی فرد یا افرادی هستند که آنها را پرورش داده‌اند، وجه مشترک میان اقتصاددانان فمینیست است.

برخی اقتصاددانان می‌گویند پیشرفت‌های علمی، بدون توجه به ارزشهای انسانی، به فرجام غیرانسانی خدمت خواهد کرد. برای مثال نلسون معتقد است ابعاد اجتماعی و احساسی رفتار انسان باید در مدل‌های اقتصادی وارد شود و با این حال وی حذف کامل مدل انتخاب عقلایی را هم جایز نمی‌داند؛ بلکه او معتقد است منطقی فکر نکردن صرف و پرسش نمودن از انگیزه رفتارهای فردی، یعنی انجام مطالعات تجربی، تاریخ و جامعه‌شناسی هم به اندازه اندیشیدن منطقی از اهمیت برخوردار است. وی می‌گوید: در حرکت از یک مدل عقلایی ساده یا در استفاده از سایر رشته‌ها درجه‌ای از مراقبت باید حفظ شود (Nelson, 1995:140).

آمارتیاسن (۱۹۹۲: ۱) هم می‌گوید عینیت گرایی دانش بر پایه مشاهده موضعی است. عینیت قوی با جدایی محقق از هدف مطالعه حاصل نمی‌شود بلکه از طریق اتصال وی به جامعه بحرانی بزرگتر به دست می‌آید.

با دور شدن مسیر اصلی اقتصاد و نظریه‌های آن از مبانی اخلاقی، برخی اقتصاددانان (از جمله هاجیسون (۱۹۶۴، فصل دوم)، تیلور (۱۹۵۷) و جان الیوت (۱۹۶۸)) و جریان‌های اقلیت بر آن برآمدند تا دوباره پیوندی میان این دو ایجاد کنند و در واقع گرایشی با نام اقتصاد اخلاقی، تلاشی در همین جهت است.

منظور از اصول اخلاقی در اینجا، تأکید بر ارزشهای دینی خاصی نبوده، و زمانی که از مسایل و احکام اخلاقی و رابطه آن با علم اقتصاد صحبت می‌شود، منظور آن دسته از اصول قابل تغییر

1. unionism

و انعطاف پذیری هستند که طی زمان و با توجه به نیازهای جدید جامعه و انسان پدید می آیند (آقاجانی، ۱۳۹۲: ۶).

۵. توسعه پایدار در یک اقتصاد اسلامی

پیش از این گفته شد که آنچه در تعاریف مربوط به توسعه پایدار مشترک است، جنبه پویایی آن، رفع نیازهای اساسی، توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن است (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۶). شرط لازم جهت دستیابی به توسعه پایدار، حفظ کارایی در تخصیص منابع و شرط کافی آن عبارت است از: تقلیل منابع تجدید نشدنی و احیای دوباره و حفاظت از آن؛ جایگزینی منابع تجدیدپذیر با منابع تجدیدناپذیر و ایجاد تعادل در جذب فضولات توسط محیط زیست در مقابل مقدار فضولات وارد شده به محیط زیست (عرب مازار، ۱۳۸۲).

از اهداف اصلی توسعه پایدار، دستیابی به سطحی معقول از خوب زیستی اقتصادی است که به طور عادلانه بین اقشار جامعه توزیع شده باشد و بتواند به طور مداوم بین نسل های آینده تداوم یابد. در این تعریف پایداری در واقع گذار جامعه از رشد اقتصادی مبتنی بر مصرف بی حد و حصر منابع تجدیدناپذیر به پیشرفت بهبود کیفیت زندگی مبتنی بر استفاده بیشتر از منابع تجدیدپذیر در درازمدت است که مفاهیمی چون عدالت و اخلاقیات در آن مشهود است (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۹۲: ۲).

در زمینه تعریف توسعه و تعریف وضع مطلوب توسعه یافتگی در اسلام چپرا^۱ (۱۹۹۳) بیان می کند که رضایت حاصل از نیازهای معنوی به توسعه اخلاقی نیاز دارد و رضایت حاصل از نیازهای مادی، به توسعه همه منابع انسانی و مادی به شیوه ای عادلانه نیاز دارد به گونه ای که در آن نیازهای همه انسانها به اندازه کافی برآورده شود. پاتماواتی و همکاران (۲۰۱۱: ۸) می گویند دستیابی به آن رفاه مطلق مادی که هدف توسعه در غرب می باشد برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیز آن نیست، بلکه مادیات به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی که دین مبین اسلام تعیین نموده است جلوه گر می شوند.

این مقاله با استفاده از آیات قرآن هدف یک فرد مسلمان را افزایش ایمان^۲ از طریق بندگی خداوند^۱ و لازمه آن را وجود اختیار در انتخاب^۲ و آزمایش انسان^۳ می داند. بر طبق قرآن هدف

1. Chapra

۲. بقره: ۱۰۳، ۱۰۸، ۲۱۲ و ۲۲۳ / آل عمران: ۱۶، ۱۳، یوسف: ۵۷ / مریم: ۷۳ و ۸۸ / مؤمنون: ۵۵ و ۶۲ / شعراء: ۱۱۱ و ۱۲۰ / قصص: ۸۰ / احزاب: ۴۷ / محمد: ۳۹ / تحریم: ۵.

نهایی، چیزی جز رسیدن به نزد خدا و برخورداری از لذت وصل او نیست.^۴ از طرف دیگر رسیدن به این اهداف مستلزم در دست داشتن ابزار مادی^۵ و معنوی است. بر طبق آیه کریمه «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۶؛ خدا انسان را مأمور آبادانی زمین قرار داده و امکانات و ابزارهای لازم برای رسیدن به این هدف را نیز در اختیار وی قرار داده «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۷ که ظاهراً اعطای منصب خلافت الهی به انسان در زمین به همین منظور است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۸.

به این ترتیب، عمران و توسعه مورد نظر اسلام تنها دارای بعد مادی و اقتصادی نیست، بلکه برای عمران و توسعه ابعاد انسانی، اخلاقی، روانی و معنوی نیز در نظر گرفته شده است؛ به عبارت دیگر، از نظر اسلام مفهوم کلی توسعه فقط رفاه و آسایش در این جهان را جست‌وجو نمی‌کند، بلکه رفاه در هر دو جهان را مدنظر دارد و بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد.

بر این اساس، زمین آنگاه آباد (توسعه یافته) است که رشد و افزایش ثروت انسانها همراه با آرامش و آسایش آنان باشد. به همین خاطر، برخی آیات قرآن یک رابطه معنوی بین ایمان به خدا، عبادت او و آبادی زمین و رفاه مادی انسانها را مطرح می‌سازد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^۹؛ و چنانچه اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین (درهای) برکات آسمانی (توسعه معنوی) و زمینی (توسعه مادی) را به روی ایشان می‌گشودیم.

صادق (۱۹۹۱) می‌گوید: «در یک سیستم اقتصادی اسلامی، اساسی‌ترین نگرانی توسعه رفاه انسان است چراکه هدف اساسی شریعت (فقه اسلامی) اهمیت رفاه مردم و تسکین ایشان در رابطه با مشقتها می‌باشد. بدین ترتیب، توسعه اقتصادی در اسلام می‌تواند به عنوان یک بهبود متوازن و پایدار در رفاه مادی و غیر مادی بشر تعریف شده شامل بهبود رفاه از طریق

۱. یس: ۶۱ و ذاریات: ۵۶.

۲. بقره: ۱۷۳ و ۲۵۶ / انعام: ۱۴۵.

۳. کهف: ۷ / هود: ۷ / ملک: ۲.

۴. هود: ۱۱۸ و ۱۱۹.

۵. هود: ۶۱.

۶. او (خدا) شما را از زمین ایجاد کرد و به آبادانی در آن گماشت (هود: ۶۱).

۷. بقره: ۲۹.

۸. به یاد آر هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: من در روی زمین خلیفه قرار می‌دهم (بقره: ۳۰).

۹. اعراف: ۹۶.

پیشرفت، سازماندهی مجدد و جهت گیری مجدد تمام سیستم های اقتصادی واجتماعی، و تعالی معنوی مطابق با آموزه های اسلامی باشد». پاتماواتی و همکاران (۲۰۱۱: ۸) می گویند: «تمرکز توسعه پایدار در اسلام بر انسان است. انسان به عنوان عامل اقتصادی برای انواع توسعه ای که می پذیرد، مسؤول است. این عامل اقتصادی نیاز دارد که در مورد اهمیت توسعه پایدار آموزش داده شود. بنابراین، تمرکز توسعه پایدار در اسلام بر روی آموزش افراد در مورد اصول و مدیریت توسعه پایدار مطابق با چهارچوب اسلامی است».

۶. اهداف توسعه پایدار اسلامی

اهداف توسعه پایدار اسلامی را می توان به شرح زیر دانست:

۶-۱. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب (شامل چهار اصل حکمرانی خوب، یعنی، مشارکت، پاسخگویی، اثربخشی و انسجام که توسط اتحادیه اروپا (EU) معرفی شده است (پالجه^۱، ۲۰۰۸)؛ که همان سیاست روش های توسعه و رویه های تصمیم گیری است که، در واقع، منجر به تغییر نهادی می شود. برای هر کشوری بسیار مهم است که احزاب مختلف رابرای شرکت در تصمیم گیری و فرایند اجرای هر برنامه توسعه اقتصادی دعوت کند. در اسلام، مشارکت در هر برنامه می تواند با شورا (مشاوره یا شورای مشورتی) متصل شود. بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، به پیامبر اسلام (ص) دستور داده شد که با پیروان خود در مسائل مربوط به دولت و سیاست مشورت کند (البراعی^۲، ۱۹۸۵). حاکمان باید امور جمعی مسلمانان را توسط یک فرایند مشورت متقابل، که یک امر ضروری دینی است مدیریت کنند و مشورت کردن با دیگران در چنین اموری نباید به صلاحدید حاکمان ترک شود. آنچه مورد نیاز است یک نهاد مستقل برای بحث بدون مانع و بی باک و آزاد در مورد تمام مسائل مربوط رفاه عمومی در درون چهارچوب شریعت است. نهاد شورا خواهان وسیع ترین مشارکت مردم در امور دولت، یا به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود است (چپرا^۳، ۱۹۹۳).

1. Paltje
2. al-Buraey
3. Chapra

۲-۶. مدیریت توسعه پایدار محیط زیست

صالح^۱ (۲۰۰۳) می گوید تغییرات منفی و مخرب مدیریت نشده در دارایی های طبیعی ممکن است ناقض اصول اقتصادی باشد؛ لذا پیش از حصول توسعه اقتصادی پایدار ابتدا باید به لحاظ اخلاقی و جهت برقراری عدالت محیط زیست حفظ شود. توسعه پایدار را می توان از طریق ایمان، دانش و اعمال رفتار خوب به دست آورد. پاداش برای "انجام اعمال صالح"، که مطابق با دستورات الهی است با "اعتقاد و ایمان" همراهی می شود. شکل ۱ نشان می دهد که با پیروی از تعالیم و اصول اسلامی، مردم می توانند خود را درک کنند و از لحاظ مذهبی به عنوان هدف نهایی، به بهشت دست یابند. در این جهان "بهشت" به معنای زندگی شاد و آرام و سالم و مولد است. با توجه به این، "اعتقاد و ایمان" و "انجام اعمال صالح" می تواند به صورت زیر تفسیر شود (آشتیانی^۲، ۲۰۰۹):

• **اعتقاد و ایمان:** اعتقاد داشتن به اینکه دستورات خالق ما (الله) برای بهترین عملکرد در مورد انسان و زندگی بهتر است. مردم به وسیله آزادی اراده، آگاهی و دانش برای پیروی کردن از دستورات خدا (اعتقاد به عقل، حقایق و تخصص و همچنین پذیرش، احترام گذاشتن به حقوق و قوانین و مقررات معنوی، فردی، اجتماعی و فنی) ترغیب می شوند.

• **انجام عمل صالح:** انجام بهترین کارهای ممکن، براساس صحیح ترین اعتقادات و بهترین دانش.

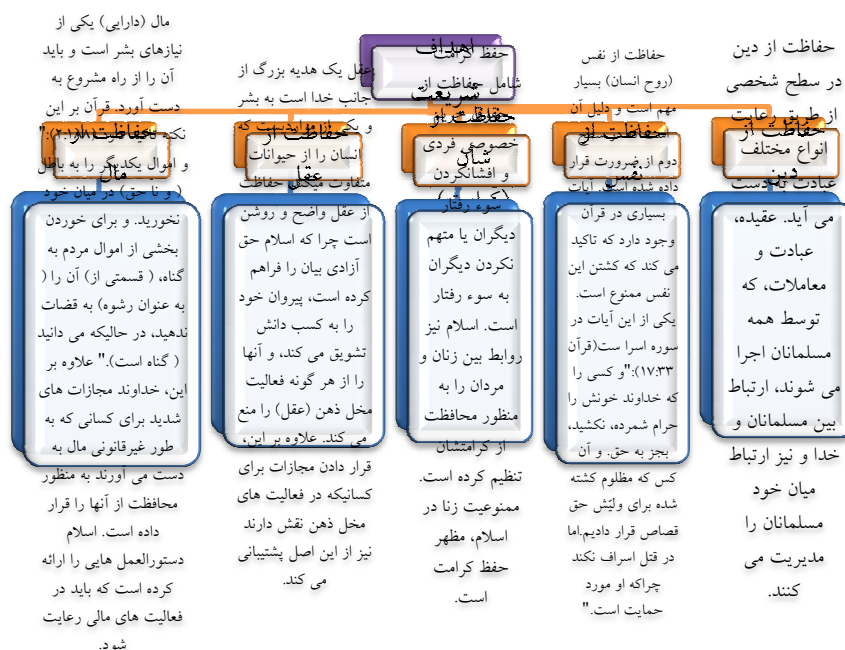
خداوند انسانها را از آسیب رساندن به زمین را منع کرده است: "و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن، و همانگونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد" (۲۸:۷۷). خدا اسراف را نیز محکوم می کند: "ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید! و (از نعمت های الهی) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد" (۷:۳۱) و "اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد" (۶:۱۴۱).

این آیات از جمله اصول در آموزه های اسلامی هستند، که بشر را راهنمایی می کنند در اینکه چگونه زمین را مورد بهره برداری قرار دهد و از تمام منابع زمین استفاده کند با این اطمینان که زمین برای هر دو نسل حال و آینده بشر حفظ می شود. این دستورالعمل ها که در هدف

1. Salih

2. Ashtiany

شریعت تعبیه شده است به عنوان مقاصد شریعت شناخته می شود. ابن اثیر (۲۰۰۱) مقاصد شریعت را اینگونه تعریف کرده است: "اهداف و حکمت های مشاهده شده توسط شارع تقریباً در تمام جنبه های احکام حقوقی". هدف اصلی شریعت اداره زندگی و حفاظت از منافع و یا مصالح بشر است که می تواند به پنج موضوع اساسی طبقه بندی شود که مطابق شکل ۱ می باشد:



شکل ۱. اهداف شریعت

در یک جامعه اسلامی، یکی از اصول توسعه اقتصادی، تضمین مقدار کافی برای یک زندگی مناسب و معقول برای هر عضو، برای ایجاد عدالت اجتماعی و حفظ تعادل اقتصادی در میان همه اعضای جامعه است. در این رابطه، به حداقل رساندن فاصله توزیعی یک هدف اجتماعی عمده سیاست اقتصادی دولت اسلامی است. این موضوع را از قرآن و سنت می توان استخراج کرد که در ارتباط با رفتار مصرف کننده مانند زهد (چشم پوشی داوطلبانه) و منع اسراف است.

اصل کرامت انسانی برابر، برادری و اصل نامطلوب بودن جمع شدن ثروت و درآمد در دست تعداد کمی از افراد نیز از اصول اسلامی به دست آمده است (البراعی، ۱۹۸۵).

۷. عوامل مؤثر در توسعه پایدار

مهم‌ترین عوامل رسیدن به توسعه پایدار عبارتند از:
 نیاز به تغییر نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید؛
 اولویت‌دادن به سرمایه انسانی بویژه زنان و جوانان در جهت پایداری توسعه؛
 نقش رهبری در به دوش کشیدن و بالابردن تلاش توسعه‌ای از بالا؛
 نقش سازمان‌های مدنی اجتماعی برای پیش‌راندن توسعه از پایین به بالا؛
 اهمیت حقوق بشر و مفهوم و هدف گسترده آن؛
 آمیختن توسعه با ساختار اجتماعی و فرهنگی؛
 ارتباط درونی میان پایداری توسعه و اعتماد به نفس (کشف، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

۸. اصول برگرفته از آموزه‌های اسلامی در مورد توسعه پایدار

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار، مسأله عدالت و عدالت بین نسلی است. مراجعه به آموزه‌های اسلام اصولی را تبیین می‌کند که دقت در آنها نگرانی درباره پایداری توسعه را مرتفع می‌سازد (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۶). این اصول را در سه دسته اعتقادی، کاربردی و اخلاقی بیان خواهیم کرد:

۸-۱. اصول اعتقادی

این اصول، درباره جهان بینی و نگرش فرد مسلمان است که به طور کلی در مورد همه هستی و به صورت خاص درباره منابع طبیعی و محیط زیست وجود دارد. جهان بینی مسلمان که برگرفته از رهنمودهای مکتب اسلام است، در کلیه فعالیت‌های وی از جمله فعالیت‌های اقتصادی اش تأثیر خواهد گذاشت.

۸-۱-۱. خداباوری و اعتقاد به عالم آخرت

نخستین اقدامی که پیامبران بعد از رسالت خود انجام می دادند، تلاش در جهت دعوت انسانها به یگانگی خداوند و اعتقاد به عالم آخرت، و تقویت ایمان آنان بود. آنان به خوبی می دانستند که هرگاه ایمان به خداوند در دل فردی نفوذ کند، فعالیت های خود را همان گونه که خداوند می خواهد انجام می دهد و هرچه عشق و ایمان او به خداوند فزونی یابد، نافرمانی های او کاهش می یابد و اعمالش رنگ خدایی می یابد. از طرفی، اعتقاد به عالم آخرت نیز تأثیر فراوانی در جهت دادن فعالیت های افراد دارد.

۸-۱-۲. ارزشمندی دنیا

با وجود اینکه انسان معتقد خداباور، آخرت را در نظر دارد و سعادت واقعی را نیز در دنیای دیگر می داند و به رغم آنکه برخی از نصوص دینی بر بی اعتباری دنیا، فریبندگی آن و نیز تشویق به کناره گیری از آن تأکید می ورزد، دقت در این عبارت ها، بویژه با توجه به آیات و روایت هایی که زندگی دنیا را ستوده، بیانگر این است که دنیا به خودی خود ارزش دارد و نکوهش آن ممنوع است؛ ولی اگر باعث غفلت انسان و بازداشتن وی از هدف اصلی شود، نکوهش می شود.

۸-۱-۳. خلافت و امانتداری انسان در روی زمین

خداوند متعالی، انسان را خلیفه خود در زمین معرفی کرده، و جهان را در تسخیر و به منزله امانتی در دست وی قرار داده است (جاثیه، ۱۲). انسان در جایگاه خلیفه و امین خداوند بر روی زمین مأموریت دارد از این منابع استفاده شایسته کرده، از هرگونه استفاده مسرفانه از آنها و نیز تخریب و از بین بردن آنها بپرهیزد. خلیفه خداوند هرگز در صدد بهره برداری انحصارگرایانه از طبیعت و تضییع حقوق دیگران بر نمی آید؛ بلکه حاضر است بخشی از دسترنج خود را در اختیار انسان های دیگر قرار دهد یا به فعالیت هایی اقدام کند که نتیجه آن را نسل های بعد می بینند.

۸-۱-۴. کفایت منابع طبیعی و عدم کمیابی

در اعتقادات اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد. این مسأله در آیات قرآن مورد تصریح قرار گرفته است (ابراهیم، ۳۴). از طرف دیگر سنتی که از قرآن و روایات استفاده می شود، این است که این نعمت های فراوان، در صورت شایستگی

مردم و جوامع، افزونی خواهد یافت. نکته قابل توجه در معنای برکت، مفهوم استمرار در آن است؛ یعنی در اثر تقوا، خداوند نعمت هایی بر انسان فرو می فرستد که دوام دارد و بدین ترتیب، هرگاه مردم یک نسل به وظایف خود درباره بهره برداری از منابع طبیعی عمل کنند، نگرانی درباره نسل های آینده وجود نخواهد داشت.

۵-۱-۸. عدالت

در یک نگاه کلی، و براساس اعتقاد به عدالت تکوینی، خداوند، جهان را براساس عدل آفریده است. قرآن مجید آفرینش آسمان ها، خورشید و ماه را منظم، ضابطه مند و بدون هیچگونه نقص دانسته، می فرماید: هر قدر در پی یافتن نقصان در خلقت بنگری، درماندگی و زبونی بیشتری را تجربه می کنی (ملک، ۳ و ۴). بنابراین، تمام گونه های حیوانی و گیاهی و نیز آنچه در زمین و آسمان است، در چرخه حیات ضرورت دارد. از طرف دیگر، نعمت های خداوند به همه انسانها تعلق دارد و حتی سایر موجودات نیز از این مواهب سهم دارند و در برخی مواقع حق آنان بر انسان مقدم می شود. حقوق نسل های آینده نیز در استفاده از منابع گوشزد شده است. بحث توزیع اولیه منابع، یکی از مباحث مورد توجه نظام اقتصادی اسلام بوده و راهکارهایی به منظور تحقق عدالت در توزیع ارائه شده است. تشریع مالکیت دولتی برای منابع طبیعی (فیء) طبق تصریح قرآن مجید به همین منظور است (حشر، ۷).

۲-۸. اصول فقهی (کاربردی)

هرگاه انسان در سایه آموزه های الهی تربیت شود، مشکلی از ناحیه فعالیت های او درباره طبیعت و سایر همنوعان ایجاد نمی شود؛ اما با توجه به اینکه آیین اسلام فقط وضعیت مطلوب را در نظر نگرفته و می خواهد با جهت گیری مناسب انسانها را به هدف مطلوب سوق دهد، رهنمودهایی را جهت تنظیم رفتار و روابط انسانها با یکدیگر و نیز با سایر گونه های گیاهی و حیوانی تشریع کرده است. این رهنمودها که به صورت پیش فرض هایی در زمینه ارائه مدل مطلوب بهره برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام و از جمله در جامعه مهدوی در نظر گرفته می شود، عبارتند از:

۱-۲-۸. **قاعده لاضرر:** براساس این قاعده، هیچکس نمی تواند فعالیتی را که به زیان دیگری بینجامد، انجام دهد و در صورتی که مسبب زیان دیگری شود ولو اینکه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران زیان وارده است؛ به همین جهت، هر خانوار یا بنگاهی

که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده سازی محیط پیرامون خود شود، از جهت شرعی ضامن است. همچنین هرگاه استفاده از منابع طبیعی به وسیله گروه یا یک نسل به تضییع حق گروه های دیگر یا نسل های دیگر بینجامد، براساس این قاعده ضمان آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان بپردازد.

۲-۲-۸. قاعده اتلاف: براساس قاعده اتلاف، هرگاه کسی مال دیگری را از بین ببرد یا آن را از مالیت بیندازد، ضامن جبران آن است و در این مسأله شریک بودن خود فرد در آن مال تفاوتی ایجاد نمی کند. در موضوع مورد بحث ما با توجه به سهم بودن همه انسانها در منابع زیست محیطی، شخص بهره بردار نمی تواند زمینه های تخریب، استفاده غیر بهینه و صدمه زدن به این منابع را ایجاد کند یا باعث آلودگی محیط زیست شود که خود یکی از منابع عمومی به شمار می رود. در غیر این صورت، در برابر حقوق دیگران ضامن خواهد بود.

۲-۳-۸. اصل منع از اختلال نظام: براساس این قاعده، هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال، با اینکه بهره برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام بهره برداری از آن مرتع و یا ... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می شود.

۲-۴-۸. قاعده اسراف: قلمرو اسراف بسیار گسترده است. اسراف ممکن است در مصرف یا تولید کالا یا خدمت باشد؛ مانند اینکه کالایی را بیش از حد نیاز مصرف کنیم، از خدمات آموزشی، پزشکی و ... استفاده غیرضرور انجام دهیم و یا در به کارگیری عوامل تولید و خدمت، استفاده غیربهینه کنیم. از طرفی اسراف ممکن است در مال شخصی باشد یا در مال دیگری. دیگری نیز گاهی یک فرد یا گروه است و گاهی کل جامعه. گاهی این اموال مربوط به یک نسل خاص است و گاهی تمام نسل ها در آن مشترکند (همانند موضوع مورد بحث ما یعنی منابع طبیعی) که هر یک از اینها ضمن اشتراک در اصل حرمت، در شدت و ضعف آن تفاوت دارند. براساس مطالب پیشین هرگونه استفاده مسرفانه از منابع طبیعی اعم از کمی یا کیفی حرام بوده، ضمانت آور نیز هست و شریک بودن شخص در مالکیت این منابع، باعث نمی شود حکم حرمت آن برداشته شود.

۵-۲-۸. اصل حاکمیت دولت: از مهم ترین عوامل توفیق در اجرای خوب قوانین و سیاست ها، وجود ضمانت اجرایی قوی آنها است. اصولی که پیش تر بدانها اشاره شد، زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در جهت بهره برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می کنند؛ با وجود این، اجرای خوب این برنامه ها، نیازمند حاکمیت دولتی مقتدر است. در نظام اسلامی، مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع، برای دولت است و بخش دیگری را نیز دولت به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می کند. برخورداری دولت از حق مالکیت یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را فراهم می آورد تا با برنامه ریزی درست، زمینه بهره برداری بهینه مدبرانه، و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد.

۳-۸. اصول اخلاقی و ارزشی

افزون بر آموزه‌هایی که به صورت الزام، از جانب دین اسلام برای هدایت بشر در رسیدن به وضعیت مطلوب تشریع شده است، رهنمودهایی دیگر نیز ارائه شده که به انجام برخی امور و ترک بعضی افعال تشویق می کنند. این آموزه ها، گرچه ممکن است به صورت فردی در تحقق هدف کلان بهره برداری از منابع کمک نکنند، با سوق دادن جامعه به سمت این ارزش ها، و تربیت مسلمانان در تخلق به این ارزش ها، نقش بسیار مؤثری در کارآمد بودن مدل بهره برداری، حفظ محیط زیست و عدالت بین نسلی خواهند داشت.

۱-۳-۸. اصل ساده زیستی و قناعت

اسلام کنار تحریم اسراف، مسلمانان را به ساده زیستی و قناعت تشویق کرده و این دو خصیصه را مشخصه زندگی مؤمنان به شمار آورده است. براساس این اصل، انسان مؤمن دارای هزینه اندک است و زندگی پرمصرف، تجملاتی و همراه با ریخت و پاش ندارد و در عین حال که در بخش تولید با مراعات حداقل هزینه بیشترین و بهترین تولیدات را خواهد داشت، در بخش مصرف از مصرف معتدل و ساده ای برخوردار خواهد بود. با این فرض، استفاده از منابع طبیعی تا حد بسیاری خود به خود کنترل شده و نسبت به منابع طبیعی تجدیدشونده نیز توانایی تجدیدپذیری آنها مراعات خواهد شد؛ افزون بر آنکه مراعات این اصول، تخریب طبیعت و محیط زیست را به حداقل کاهش داده و جز در موارد اجتناب ناپذیر، آسیب جبران ناپذیر برای محیط زیست به بار نخواهد آورد.

۲-۳-۸. نکوهش حرص و همچشمی مصرف

حرص در مصرف نیز همانند اسراف و اتراف، در سطح خرد و کلان پیامدهای منفی در استفاده از منابع طبیعی به همراه دارد. روایات فراوانی در نکوهش حرص وارد شده است. در جهان بینی اسلامی اگر انسان، چیزی را به انگیزه تفاخر بر دیگران و ابراز امتیاز و خودنمایی یا برای رقابت و همچشمی مصرف کند، نکوهش می شود و از انگیزه های منفی به شمار می رود.

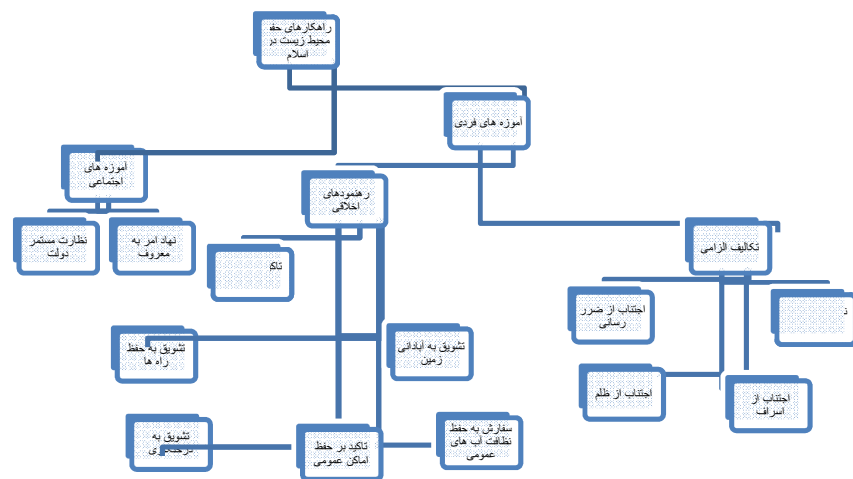
۳-۳-۸. اصل اخوت

چنین روحیه ای فقط در سایه تربیت دینی امکان پذیر است و وقتی افراد جامعه ای چنین نگاهی به یکدیگر داشته باشند، هیچگاه در صدد از بین بردن حقوق دیگران، به قیمت تأمین منافع شخصی خود نخواهند بود و به همین جهت در استفاده از منابع طبیعی، و همچنین نگاهداری محیط زیست، نه فقط حقوق دیگران را حفظ می کنند، بلکه در مواردی از نفع خود نیز صرف نظر می کنند.

۴-۳-۸. رعایت حقوق (قانونمندی)

در اسلام، رعایت حقوق افراد جامعه اهمیت والایی دارد؛ رعایت حقوق دیگران آثار اقتصادی نیز در پی دارد. دایره حقوق در نظام اسلامی بسیار گسترده است و در حق انسان ها منحصر نمی شود؛ موجودات دیگر اعم از حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوقی هستند که در رساله حقوق امام اشاره شده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۲۰).

شکل ۲. راهکارهای حفظ محیط زیست در اسلام



منبع: فراهانی فرد، ۱۳۸۵: ۱۱۱

۹. ایران و توسعه پایدار

در مورد کشور ایران در زمینه شاخصهای مربوط به توسعه اقتصادی دو شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص داخلی، در زمینه شاخصهای مربوط به توسعه پایدار محیط زیست، چهار شاخص «استفاده از انرژی های فسیلی»، «استفاده از انرژی های تجدید پذیر»، «تغییر در نواحی جنگلی» و «سهم زمینهای کشاورزی» و در مورد شاخص توسعه اجتماعی «میزان رضایتمندی عمومی از زندگی» و «میزان رضایت شغلی»، مورد بررسی قرار گرفته است.

۹-۱. گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ از کشور ایران

با توجه به گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ نرخ شاخص توسعه انسانی کنونی ایران (در سال ۲۰۱۳)، ۰.۷۴۲ است که ایران را در زمره کشورهایی با توسعه انسانی بالا طبقه بندی می کند. در این زمینه کشور ایران در میان کشورهای اسلامی رتبه دهم را پس از کشورهای قطر (۳۶)، امارات (۴۱)، بحرین (۴۸)، کویت (۵۴)، عربستان سعودی (۵۷)، لیبی و مالزی (۶۴)، آلبانی (۷۰) و لبنان (۷۲) دارد.

پیش از این ایران پیشرفت قابل توجهی را در توسعه انسانی در طول ۳۲ سال اخیر داشته است. بر اساس محاسبات برنامه توسعه سازمان ملل در بین سالهای ۱۹۸۰-۲۰۱۳، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران ۶۷ درصد- یا به طور میانگین سالانه ۱.۶ درصد- افزایش داشته است. در طول مدت مشابه برای سایر کشورها با توسعه بالا، متوسط سالانه کسب شده تنها در حدود نصف میزانی است که ایران رشد کرده- یعنی تقریباً ۰.۷۳ درصد. در مورد کل کشورها میانگین کمتر و در حدود ۰.۹۶ درصد است. این نشان می دهد که در این سالها سیاستهای ایران برای ارتقای توسعه انسانی هم مناسب و هم قابل توجه بوده است.

این گزارش همچنین نشان می دهد که ایران دومین مقام را در کاهش کمبود شاخص توسعه انسانی در میان کشورهای در حال توسعه دارد؛ در طول ۲۲ سال در بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ تنها کشور کره در این شاخص وضعیتی بهتر از ایران داشته است. در توضیح ارتقای ایران در این گزارش، اجزای شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

- زندگی سالم و طولانی^۱: اولین جزء از شاخص توسعه انسانی «زندگی سالم و طولانی» است. برنامه توسعه سازمان ملل در این زمینه امید به زندگی در بدو تولد را محاسبه می کند. آمار نشان می دهد که این شاخص در مورد ایران طی این سالها از ۵۱ به ۷۳ سال افزایش یافته است.

- دسترسی به دانش^۲: جزء دوم دسترسی به دانش است. معیار سالهای مورد انتظار تحصیل است. ایران رکورد دار افزایش از ۸.۷ به ۱۴.۴ سال است که دستاوردی قابل ملاحظه به شمار می رود.

- استاندارد مناسب و معقول زندگی^۱: سومین جزء یک "استاندارد مناسب و معقول زندگی" است. ایران در زمینه این شاخص هم بهبود قابل توجهی داشته است.

1. along& health life

2. access to knowledge

با این حال از نظر این گزارش چالشهای مداومی هم برای توسعه وجود دارند. نرخ بیکاری به همراه تورم چالشهای موجود هستند. ایران با طیف وسیعی از چالشهای توسعه هم روبروست. فقر، تخریب محیط زیست و آمادگی برای مقابله با سوانح از جمله این مشکلات به شمار می آیند که خلاف اخلاق و عدالت است. ایران به لحاظ منابع طبیعی و حفاظت از تنوع زیستی و حیات وحش بسیار غنی است و زندگی وحش یکی از مهم ترین چالشهای این کشور در زمان تغییرات آب و هوایی به حساب می آید. همچنین گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۳ به مناطقی در کشور ایران اشاره دارد که در آنها نابرابری جنسیتی مشاهده می شود.

در زمینه توسعه پایدار بررسی شاخصهای موجود در برنامه توسعه سازمان ملل گویای آن است که کشور ایران در زمینه شاخص تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ در میان کشورهای اسلامی تنها دو کشور ترکیه و اندونزی درآمدی بیشتر از ایران دارند. اما GDP سرانه ایران ۱۰۴۶۲ دلار بوده است که رتبه ۷۴ را در بین کشورهای دنیا و رتبه ۱۳ را در میان کشورهای اسلامی دارد. در میان کشورهای اسلامی کشور قطر با ۷۷۹۸۷ دلار رتبه اول دنیا را به خود اختصاص داده و رتبه کویت ۴، رتبه برونی دارالسلام ۶ و امارات متحده عربی ۹ می باشد. متوسط این رقم در دنیا ۱۰۱۰۳ است که کشور ایران به آن نزدیک است.

در زمینه توسعه پایدار محیط زیست چهار شاخص استفاده از انرژی های فسیلی و تجدید پذیر و تغییر در نواحی جنگلی و سهم زمینهای کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته است. ایران در سال ۲۰۰۹ به میزان ۹۹.۵ درصد از انرژیهای فسیلی و تنها ۰.۵ درصد از انرژیهای تجدید پذیر استفاده نموده است. درحالی که برخی از کشورهای اسلامی مانند عمان، قطر، کویت، عربستان و امارات ۱۰۰٪ و برخی دیگر مانند موزامبیک، کمتر از ۱۰٪ از انرژیهای فسیلی استفاده کرده اند. البته قابل ذکر است که آمار نشان می دهد که کشورهایی که کمتر از ۵۰٪ از انرژیهای فسیلی استفاده می کنند اکثرا در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین یا متوسط قرار دارند و تمامی کشورهای با توسعه انسانی پایین جز پاکستان و سنگال کمتر از ۵۰٪ از انرژیهای فسیلی استفاده می کنند.

ایران جزء کشورهایی است که در سال ۲۰۰۹ تغییری در نواحی جنگلی خود صورت نداده است.

میزان زمینهای کشاورزی (نسبت زمینهای زیر کشت به کل زمینها) در ایران نزدیک به ۳۰٪ است اما در برخی از کشورهای اسلامی مانند نیجریه و عربستان ۸۰٪ و در برخی کشورها مانند مصر، قطر، عمان، امارات و لیبی زیر ۱۰٪ می باشد.

شاخص میزان رضایتمندی عمومی از زندگی^۱ در مورد کشور ایران ۴۸ است که رتبه ۵۱ را در میان کشورهای دنیا دارد. میزان این شاخص در ایران پایین است چراکه حتی از متوسط کشورهای جهان (۵۳) کمتر می باشد. بالاترین رضایتمندی عمومی از زندگی در دنیا در کشور دانمارک با سطح ۷۸ مشاهده می شود و در میان کشورهای اسلامی کشورهایی چون امارات (۷۲)، عمان (۶۹)، عربستان (۶۷)، مالزی (۵۸)، پاکستان (۵۳) و لبنان (۵۲) از ایران رتبه بهتری دارند.

بررسی شاخص میزان رضایتمندی از اجتماع^۲ نشانگر آن است که رتبه ایران در زمینه این شاخص ۵۴ است که بازهم از متوسط جهانی پایین تر می باشد. میزان رضایتمندی از اجتماع در ایران ۷۶۳ است درحالی که متوسط جهانی ۷۹ و میزان آن در کشورهای اسلامی مانند امارات (۹۳۸)، قطر (۹۰۴)، عمان (۸۹۹)، و مالزی (۸۷۳) بالاتر از ایران است. گفتنی است بالاترین میزان این شاخص در کشور ترکمنستان (۹۷۵) می باشد.

نتیجه گیری

در طول تاریخ، از ابتدای آفرینش، بشر به طور فطری به تکامل و بهبود علاقه مند بوده است و در این راه دائم کوشش می کند. توسعه اقتصادی اصطلاحی است که از دهه چهل میلادی در اقتصاد رواج یافته است و می توان آن را فرایند تغییر از وضع موجود به سمت وضع مطلوب دانست. هیچ توافقی درمورد اینکه شرایط مطلوب چیست وجود ندارد. بنابراین بسیاری معتقدند

۱. این شاخص از طریق پاسخ مردم به این سوال موسسه نظرسنجی گالوپ به دست می آید: یک نردبان را با پله های صفر تا ده تصور کنید. فرض کنید بالای نردبان بهترین و پایین نردبان بدترین زندگی ممکن را برای شما نشان می دهد. شما فکر می کنید اکنون روی کدام پله از نردبان قرار دارید با فرض اینکه بالا رفتن از پله ها تصور شما از زندگی بهتر می شود و با پایین آمدن از پله ها تصور شما از زندگی بدتر می شود؟ کدام پله به احساس شما نزدیکتر است؟

۲. درصدی از افراد که به این سوال موسسه نظرسنجی گالوپ «فکر می کنید درحال حاضر شرایط اقتصادی در شهر یا ناحیه ای که شما در آن زندگی می کنید، به طور کلی، رو به بهبود است یا بدتر شدن؟» پاسخ مثبت داده اند.

که توسعه مفهومی ارزشی است. بنابراین هر جامعه می تواند بر اساس اصول و ارزشهای خویش شرایط مطلوب و مسیر حرکت را مشخص سازد. توسعه پایدار نیز چنین است و می تواند بر اساس معیارهای جامعه مورد تعریف قرار گیرد. از طرف دیگر برخی از معیارها و شاخصهای تعریف شده برای توسعه را می توان یافت که جامعیت همخوانی با فرهنگ و دین کلیه جوامع را ندارد. برای مثال هدف توسعه برای دستیابی به رفاه مطلق مادی از نظر اسلام برای انسان کمال مطلوب نبوده و هدف از آفرینش و خلقت انسان نیست؛ بلکه رفاه مادی به صورت ابزاری برای رسیدن به اهداف عالی انسانی جلوه گر می شود. بی شک اسلام که رفاه مادی و معنوی، دنیوی و اخروی را در کنار هم خواستار است، عدالت و اخلاق را در کنار توسعه پایدار در نظر گرفته و هر سه مفهوم را در کنار هم مورد بررسی قرار می دهد. مساله عدالت اقتصادی و اجتماعی زمانی مطرح است که خواسته های متعارض وجود دارد و قاعده عدالت امکان سازگاری میان خواسته های متفاوت را فراهم می سازد.

از نظر اسلام- به عنوان دین خاتم و جامع- مفهوم کلی توسعه و توسعه پایدار فقط رفاه و آسایش در این جهان را جست و جو نمی کند، بلکه رفاه در هر دو جهان را مدنظر دارد و بین این دو هیچ فرقی وجود ندارد. در این مباحث، عدالت و اخلاق محور اصلی است به شرطی که مسلمانان آموزه های اسلامی را در زندگی روزانه خود به کار گیرند.

توسعه پایدار باید به طریقی انجام شود که بهبود برای نسل فعلی بدون محروم کردن نسل های آینده به ارمغان آورد. به انسان به عنوان یک عامل اقتصادی باید آموزش و درک لازمی در خصوص توسعه پایدار داده شود، که شامل هر دو جنبه های مادی و غیر مادی زندگی انسان باشد. اسلام مجموعه ای از دستورالعمل ها برای توسعه پایدار داده است که تحقق هر دو جنبه مادی و رفاهی زندگی برای نسل های فعلی و آینده را در بر دارد. حفظ توسعه پایدار، یکی دیگر از چالشها است، با این حال، اسلام دستورالعمل هایی را برای حفظ توسعه پایدار ارائه کرده است. اسلام یک رویکرد جامع برای توسعه اقتصادی پایدار ارائه می دهد که شامل مفهوم، اصول و مدیریت آن می باشد. سیاستگذاران و اقتصاددانان باید این رویکرد جامع را درک کنند تا بتوانند به تدوین سیاست های اقتصادی و برنامه هایی که مطابق با الزامات اسلام است بپردازند. این کار تضمین خواهد کرد که توسعه اقتصادی شیوه ای مناسب را در پیش گیرد که در آن منافع همه طرف های مرتبط، یعنی انسان، حیوان و محیط زیست محافظت شده باشد. مهمتر از همه، مسیری که خداوند قرار داده است در توسعه اقتصادی مشاهده خواهد شد.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی تخریب محیط زیست، بی‌مسئولیتی و عدم توجه به ارزشهای اخلاقی و والای انسانی است. لذا آگاه‌سازی افراد به منظور اعمال تغییرات اساسی در معیارها و ارزشها برای تحقق پایداری امری ضروری به نظر می‌رسد. مسلمانان باید برای قرار نگرفتن در زمره ظالمان از حقوق خود، دیگران (خصوصاً نسل‌های آینده) و سایر موجودات نسبت به محیط زیست آگاه شوند و به آن عمل کنند. برای مثال آموزش عمومی مردم در زمینه محیط زیست، باید در دستور کار رسانه‌های گروهی و مراکز تبلیغی و مدارس و مراکز علمی و دانشگاهی قرار گیرد تا از این طریق، نگرش و رفتار افراد نسبت به طبیعت اصلاح گردد؛ چراکه هیچ قانون و نگرهانی نمی‌تواند افراد را به احترام گذاردن به محیط زیست مجبور نماید. این آگاهی‌ها نتیجه آموزش تعلیم دینی در این باره است.

از بین بردن فقر، بهبود توزیع درآمد، گذار جامعه از رشد اقتصادی مبتنی بر مصرف بی حد و حصر - خصوصاً در منابع تجدیدناپذیر - به پیشرفت بهبود کیفیت زندگی مبتنی بر استفاده بهینه تر از منابع در دسترس، و ... همگی جهت رسیدن به توسعه پایدار عادلانه و اخلاقی اسلامی ضروری است که اسلام وظیفه آن را علاوه بر دولت بر گردن احاد افراد جامعه اسلامی قرار داده است و بهبود آنها را شاخصی در زمینه دستیابی به عدالت و اخلاق اسلامی می‌داند. لذا برای رسیدن به پایداری، همکاری عمیق بین رهبران دینی و دانشمندان محیط زیست، اقتصاددانان، کارشناسان آموزشی و سیاستگذاران ضروری می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقاجانی، معصومه و محمدعلی آقاجانی؛ (۱۳۹۲)؛ بانکداری اخلاقی و بانکداری اسلامی؛ نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی؛ تهران.
۴. تودارو، مایکل؛ (۱۳۶۹)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه، ج ۱.
۵. حکیمی، محمدرضا؛ (۱۳۷۱)؛ الحیاه؛ ترجمه احمد آرام؛ ج ۳ و ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۶. حیدری، زهره؛ (۱۳۹۰)؛ عدالت از منظر اقتصاد اسلامی؛ کد گزارش ۲۵۴۲؛ برگرفته از سایت تبیان.
۷. خاندوزی، احسان؛ (۱۳۸۵)؛ نقش بستر سازی اخلاقی در توسعه اقتصادی؛ اقتصاد اسلامی؛ سال ششم.
۸. خوانساری، جمال‌الدین محمد؛ (۱۳۴۲)؛ شرح غررالحکم و دررالکلم؛ تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ج ۱.
۹. دادگر، یدالله؛ (۱۳۸۵)؛ اخلاق بازرگانی و کسب و کار از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی؛ پژوهشنامه بازرگانی؛ شماره ۳۸.
۱۰. دیرباز، عباس و دادگر، یدالله؛ (۱۳۸۶)؛ نگاهی به اسلام و توسعه پایدار؛ تهران، کانون اندیشه جوان.
۱۱. رضایی، علیرضا؛ (۱۳۸۹)؛ شاخصه‌های توسعه از منظر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی (ره)؛ دو فصلنامه معرفت سیاسی سال دوم، شماره اول.
۱۲. ری شهری، محمد؛ (۱۳۷۷)؛ میزان‌الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ج ۳.
۱۳. زیوری، عطیه؛ (۱۳۸۵)؛ مبانی عدالت اقتصادی در آراء اقتصاددانان و اندیشمندان معاصر؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمد خوش‌چهره، دانشگاه تهران.
۱۴. سمیعی نسب، مصطفی؛ (۱۳۸۸)؛ درآمدی بر عدالت اقتصادی در الگوی ایده آل اقتصاد اسلامی؛ فصلنامه برداشت دوم، شماره ۱۰.
۱۵. صدر، سید کاظم؛ (۱۳۷۴)؛ اقتصاد صدر اسلام؛ تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی.
۱۶. صدر، سید محمد باقر؛ (۱۳۶۰)؛ اقتصاد ما؛ ترجمه اسپهبدی؛ ج ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. صیادنژاد، علیرضا؛ (۱۳۸۵)؛ عدالت و جایگاه آن در اسلام از دیدگاه شهید مطهری؛ دانش پژوهان، شماره ۸.
۱۸. طالبی، محمد و حسن کیانی؛ (۱۳۹۱)؛ بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی؛ بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.

۱۹. طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی؛ (۱۳۹۲)؛ تحلیلی بر بازارهای اخلاقی و توسعه پایدار؛ نهم آذر ۱۳۹۲، کد : ۸۰۴۱۳؛ پژوهشکده پولی و بانکی و روزنامه اعتماد، شماره ۲۸۳۸ به تاریخ ۹/۹/۹۲، صفحه(اقتصاد).
۲۰. طریحی، فخر الدین؛ (۱۳۶۲)؛ مجمع البحرين؛ تحقیق السید الحُسید، ج ۵، تهران: المکتبه المرتضویه .
۲۱. فراهانی فرد، سعید؛ (۱۳۸۴)؛ درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال پنجم، ش ۲۰.
۲۲. فراهانی فرد، سعید؛ (۱۳۸۵)؛ محیط زیست: مشکلات و راه های برون رفت از منظر اسلام؛ اقتصاد اسلامی؛ سال ششم.
۲۳. فراهانی فرد، سعید و محمدعلی؛ (۱۳۸۳)؛ توسعه پایدار در کشورهای اسلامی؛ اقتصاد اسلامی؛ سال چهارم.
۲۴. فیروزآبادی، یعقوب؛ (۱۴۱۲)؛ القاموس المحيط؛ لبنان: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۵. عباسپور، م؛ (۱۳۸۶)؛ انرژی، محیط زیست و توسعه پایدار؛ تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
۲۶. عرب مازار، عباس و دادگر، یدالله؛ (۱۳۸۲)؛ چهارچوب اسلامی دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار؛ مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و توسعه، تهران: دفتر نشر معارف.
۲۷. غنی نژاد، موسی؛ (۱۳۷۲)؛ اخلاق و اقتصاد؛ نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۷ و ۶۸.
۲۸. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۶۸)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۶۹)؛ سیری در نهج البلاغه؛ انتشارات صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۷۲)؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران، انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی؛ (۱-۱۳۷۳)؛ بیست گفتار؛ انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی؛ (۲-۱۳۷۳)؛ بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی؛ انتشارات صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۷۵)؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی؛ تهران، انتشارات صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ (۱۳۷۷)؛ مجموعه آثار؛ ج ۱ و ۱۶، تهران: انتشارات صدرا.

۳۵. مطهری، مرتضی؛ (۱۴۰۳ ه.ق)؛ بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی؛ تهران: انتشارات حکمت.

۳۶. معصومی نیا، غلام علی؛ (۱۳۸۶)؛ اقتصاد اخلاقی، مبانی بینشی، آموزه ها و آثار؛ اقتصاد اسلامی؛ سال هفتم؛ شماره ۲۶.

۳۷. منذر، کهف؛ (۱۳۸۴)؛ توسعه پایدار در کشور اسلامی؛ ترجمه سعید و محمد فراهانی فرد؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال پنجم.

۳۸. یوسفی، احمد علی؛ (۱۳۸۴)؛ عدالت اقتصادی؛ اقتصاد اسلامی؛ سال پنجم.

39. Al-Buraey, M. (1985) Administrative Development: An Islamic Perspective; London: Kegan Paul International.

40. Chapra, M.E. (1993) Islam and Economic Development; Islamabad: the International Institute of Islamic Thought and Islamic Research Institute.

41. Euston, Stanley (1995) gathering hope: citizens call to a sustainability: Ethnic for guiding public life; Santa fe, nm: the sustainability project.

42. Gatto, M. (1995) sustainability: is it a well defined concept; ecological society of America, Vol. 5.

43. Ibn Nujaym, Z.B. (1993) Al-Asybah wa al-Nazair; Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

44. Krongkaew, M. and Ragayah, M.Z. (2008) Income distribution and sustainable economic development in East Asia: A comparative study; Malaysian and international studies series, National University of Malaysia.

45. Patmawati Ibrahim, Siti Arni Basir & Asmak Ab Rahman (2011) Sustainable Economic Development: Concept, Principles and Management from Islamic Perspective; European Journal of Social Sciences, Vol. 24, No. 3.

46. Platje, J. (2010) An institutional capital approach to sustainable development; Management of Environmental Quality: An International Journal, Vol. 19, No. 2: 222-233.

47. Rao, P.K. (2000) sustainable development: economics and policy U.K.: oxfordblac: 81.

48. Repetto, R. (1986) World Enough and Time: Successful Strategies for Resource Management; Yale University Press, New Haven.

49. Sadeq, A. M. (1991) Economic Development in Islam; Pelanduk Publications, Petaling Jaya, Malaysia.

50. Truett, D., and L. Truett (1982) Economics; St. Paul, MN: West.

51. www.undp.com

52. *ZEIN-ELABDIN and S. CHARUSHEELA (2004)* New York: Routledge.